

دفاع از هویت و تاریخ حزب وظیفه همه توده ای هاست

شورای سردبیری راه توده، در فاصله دو هفته وقفه در انتشار این نشریه، تشکیل جلسه داد. هدف از تشکیل این جلسه عبارت بود از:

- بررسی اوضاع بغرنج سیاسی و بحران همه جانبه و در حال تشدید کشور،
- بررسی شرایط انتخابات ریاست جمهوری،
- خطر ادامه سیاست نظامی حاکم و احتمال رویدادهای نظامی جدید و غرق شدن ایران در جنگی منطقه ای،
- برخی تغییرات در شکل و ساختار طبقاتی حاکمیت نظامی،
- بررسی اسناد منتشر شده دو کنگره سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت اسلامی و همچنین اسناد منتشر شده کنگره نهضت آزادی ایران که ارگان‌های امنیتی مانع برگزاری آن شدند،
- ارتباط و گفتگوی غیرمستقیم راه توده با گردانندگان نشریات چپ داخل کشور و پاسخ به سئوالات آنها با هدف جلوگیری از چپ روی‌های ماجراجویانه در جنبش نوین و جوان چپ دانشجویی،

- بازگشودن دفتر حقایق مربوط به تاریخ حزب توده ایران و سیاست دفاع از انقلاب ۵۷ و اتحاد و انتقاد در برابر جمهوری اسلامی در سال‌های نخست تاسیس آن،
در این جلسه که نظرات بسیاری از همکاران و نویسندگان راه توده در کشورهای مختلف نیز بصورت نوشتاری- بویژه از داخل کشور- و یا پیام‌های تلفنی از کشورهای مختلف، پیرامون مسائل بالا جمع آوری و طرح شد، مطالب اتهامی و سخنی که اخیراً در نشریه "نامه مردم" بعنوان اسناد یک پلنوم منتشر شده نیز مورد بحث قرار گرفت.
پایان بخش این جلسه، جمع بندی نظرات طرح شده و انتشار قطعه‌نامه‌ای بعنوان منشور و راهنمای ادامه کار تاثیرگذار و مهم "راه توده" بود. در تنظیم این قطعه‌نامه تاکید همه حاضران در جلسه بر ادامه روش و شیوه موفق راه توده در پرهیز از پرنویسی، حاشیه پردازی و پایبندی به ساده نویسی و همچنین صراحت هر چه بیشتر در بیان و انتشار سیاست‌ها و موضع گیری‌ها بود.

۱- در بررسی اوضاع سیاسی کشور، مشی و سیاست تحلیلی راه توده پیرامون ماهیت حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی و دلایل شکل گیری دولت نهم مورد تائید قرار گرفت. در همین زمینه، ارزیابی‌های راه توده در باره روند تحولاتی که به تشکیل دولت سپاهی و اتخاذ سیاست‌های نظامی انجامید و از آخرین سال ریاست جمهوری محمدخاتمی، بصورت هشدار در سرمقاله‌های راه توده منعکس و یا در مصاحبه‌های سردبیر راه توده با صراحت طرح شد، بعنوان اسنادی معتبر که بر اعتبار تاریخی حزب توده ایران می‌افزاید مورد تاکید قرار گرفت.

در ادامه این بخش، سیاست شرکت در انتخابات دو مجلس پنجم و ششم، رد پیشنهادهای بی‌پشتوانه‌ای نظیر "واگذاری کشف کاندیداهای مستقل به مردم و رای به آنها!" و اعلام صریح و روشن حمایت از لیست اصلاح طلبان و طرفداران محمد خاتمی و اصلاحات در انتخابات مجلس ششم و همچنین حمایت پیگیر و قاطع از این مجلس تا آخرین روز آن تائید شد. در همین ارتباط تزلزل در حمایت و حتی نفی نقش مجلس ششم در تحولات آن دوران از سوی احزاب، سازمان‌ها و برخی نشریات که به چپ روی و راست روی غلتیده بودند

ضربه‌ای به اعتبار این احزاب، نشریات و سازمان‌ها ارزیابی شد. همین ارزیابی در ارتباط با دولت خاتمی و حمایت ۸ ساله از وی، مخالفت با هرگونه تضعیف ایشان و همچنین پافشاری بر ضرورت هدف گرفتن کانون اصلی قدرت در جمهوری اسلامی و نه خاتمی نیز مورد تأیید قرار گرفت.

۲- اوضاع سیاسی ایران و بغرنجی شرایط به گونه ایست که در بررسی آن، دیگر برخی دسته بندی‌ها و فرمول بندی‌های گذشته پاسخگو نیست. توازن و آرایش نیروها دچار دگرگونی‌های جدی شده است. به همین دلیل مشی راه توده در گشودن فضای لازم برای نگاهی نوین به اوضاع ایران، که با ترجمه و انتشار تدریجی کتاب "بازی شیطانی" آغاز شد و اکنون به مرحله انتشار مقالاتی در جهت ضرورت شناخت دقیق از "بسیج" و "حزب پادگانی" رسیده است، تأیید شد و بر ضرورت ادامه آن تأکید گردید. مسئله بسیار مهم بازشناسی آن انگیزه‌ها و سیاست‌هایی است که دولت احمدی نژاد را بر سر کار آورد، ضرورت افشای این سیاست و مقابله با آن، به جای مقابله با این و یا آن فرد و یا این روحانی و یا آن سردار سرلشگر نیز تأیید شد. سیاست حاکم دارای ماهیت اقتصادی نیز هست. یعنی باید دانست سیاست نظامی و حاکمیت نظامی دارای کدام رشته‌های پیوند اقتصادی و طبقاتی است. تبدیل شرکت‌های وابسته به شماری از فرماندهان سپاه پاسداران به بنگاه‌های بزرگ واردات، قرار گرفتن شعب بانک‌های عمده کشور در خارج به شعبه‌های مالی و تحت فرمان این شرکت‌ها و افزایش تصاعدی واردات در دولت احمدی نژاد که به نابودی هرچه بیشتر کشاورزی و تولید داخلی انجامیده است، همگی بخش‌هایی از همان رشته‌های پیوند اقتصادی و طبقاتی حاکمیت نظامی و سیاست نظامی حاکم است که ضرورت نگاهی نو به آرایش طبقاتی و سیاسی حاکم را ضروری ساخته است. مطابق متن استیضاح متوقف شده وزیر کشاورزی دولت که در مطبوعات (از جمله روزنامه اعتماد) منتشر شد، تنها ۴۰ درصد مواد غذایی کشور در داخل تولید و ۶۰ درصد بقیه از خارج وارد می‌شود. دولت نظامی احمدی نژاد با ۲۰۰ تا ۲۶۰ میلیارد دلار پول حاصل از فروش نفت، تا آستانه پایان دوره ۴ ساله ریاست جمهوری وی چنین نابودی داخلی و ارقام وارداتی را روی دست کشور گذاشت. به ساده لوحانی که فریب شعارهای ضد امریکائی این دولت را خورده‌اند، یکبار دیگر باید یادآور شد که مبارزه علیه امپریالیسم در درجه اول مبارزه با نظام اقتصادی آنست نه پدیده‌های فرهنگی آن که اتفاقاً دولت کنونی با جنبه‌های مثبت این پدیده‌های فرهنگی که حاصل ۲۰۰ سال مبارزه مدنی مردم اروپا و امریکاست به ستیز برخاسته. از جمله آزادی‌ها، رعایت حقوق انسانی، فعالیت احزاب مترقی، سندیکاها، تعاونی‌ها و...

حیرت آور نیست که اتفاقاً در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری نیز دولت‌های دست راستی روز به روز عرصه را در همین زمینه‌ها بر مردم و جامعه تنگ می‌کنند. بنابراین، در پشت شعار مبارزه با امریکا و در عین حال پیاده کردن برنامه‌ها و فرمان‌های اقتصادی بانک جهانی برای خصوصی سازی باید این واقعیات را دید. این خصوصی سازی با تغییر ماهیت اصل ۴۴ قانون اساسی به فرمان رهبر، تا مرز خصوصی سازی نفت، پست، راه آهن...، در کنار واردات ۶۴ میلیارد دلاری و سپردن آن‌ها به شرکت‌های وابسته به گروهی از فرماندهان سپاه پیش رفته است. بخش عمده‌ای از خیز حاکمیت برای تبدیل شدن به قدرت نظامی منطقه، در عین حال که انگیزه‌های مذهبی و گسترش تشیع را دنبال می‌کند و کوچکترین ربط و ارتباطی با اهداف مترقی اقتصادی و سیاسی ندارد، در پی سلطه بر بازار تولیدات نظامی، اتومبیل‌های مونتاژ شده ایران و تولیدات پتروشیمی است. یعنی سه عرصه‌ای که زیر نظر و مدیریت شماری از فرماندهان و ارگان‌های اقتصادی سپاه پاسداران است. ماهیت شعارهای ضد امریکائی که ستیز علیه جنبه‌های مترقی و یاده شده فرهنگ غربی است در اینجا آشکار می‌شود. بخشی از انگیزه سرکوب و اتخاذ شیوه‌های فاشیستی اداره کشور و سازماندهی فاشیستی ارگان‌های حافظ حاکمیت نظامی نیز به همین واقعیات باز می‌گردد. اعضای شورای

سردبیری خطاب به همه احزاب و گروه‌های سیاسی بر این امر تاکید کرد که ما تا نتوانیم ابعاد دقیق‌تر ترکیب حاکمیت را بازشناسیم نخواهیم توانست سیاستی منطقی و منطبق با واقعیات جامعه را تنظیم و تبلیغ کنیم. شعار دفاع از صلح، شعار مخالفت با سیاست نظامی، شعار مخالفت با جنگ و شعار جبهه نجات ملی همگی از دل این بازشناسی بیرون می‌آیند. با توجه به این نکات که همه جانبه در جلسه شورای سردبیری مورد بحث و کنکاش قرار گرفت، این شورا بر ضرورت تمرکز روی هر شعاری که ماهیت آن مخالفت با سیاست نظامی و جنگی حاکم، سیاست منطقه‌گشائی تشیع و سیاست سلطه نظامی بر منطقه، با هدف فتح بازار تولیدات صنایع یاد شده در بالا باشد تاکید کرد.

این تحولات موجب تغییراتی در ترکیب طبقاتی و اقتصادی حاکمیت شده و رقابت‌ها، تضاد منافع‌ها، مخالفت‌ها و تنش‌هایی را نیز در داخل کشور و در راس حاکمیت موجب شده است. این پدیده در آینده بیش از امروز آشکار خواهد شد و به همین دلیل عرصه‌های نوینی برای تشکیل جبهه‌های گسترده پدید آمده و گسترده‌تر پدید خواهد آمد. بخشی از اختلافات موجود در جناح راست که با نام مستعار "اصولگرا" در حاکمیت قرار دارد، ناشی از همین تنش‌هاست. آنچنان که سرمایه‌داری تجاری سنتی ایران که اکنون و پس از ۳ دهه غارت کشور، خود را در برابر رقیب قدرتمند و تفنگ بدست می‌بیند، به حامی مشروط دولت نظامی تبدیل شده است. سقوط قیمت نفت و وابستگی کشور به واردات زمین‌های بحران عمومی را تشدید خواهد کرد، همچنان که ماجراجویی‌های نظامی در منطقه و خطرات ناشی از شعله‌ور شدن جنگ در کشور و مخالفت عمومی مردم با چنین فاجعه‌ای موجب تشدید این بحران خواهد شد. این واقعیت دور از ذهن نیست که در تحولات آینده کشور بخش‌هایی از سپاه پاسداران و فرماندهان آن در مقابل بخش دیگری از فرماندهان سپاه که قدرت حکومتی و اقتصادی را در چنگ دارند و یا روحانیون در برابر فرماندهان سپاه صف آرائی کرده و فضای نوینی برای تحولات در کشور فراهم آید. به همین دلیل، آن ارزیابی زنده یاد کیانوری در سال ۱۳۷۳ در مقاله "سخنی با همه توده ایها" که "هراندازه جلوتر می‌رویم، امکان این که تحولات جنبه مسالمت آمیز داشته باشد کمتر می‌شود" (نقل به مضمون) همچنان دارای اعتبار تاریخی است.

۳- در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری، شورای سردبیری راه توده هر نوع موضع‌گیری زودهنگام برای شرکت یا عدم شرکت در این انتخابات را نادرست ارزیابی کرد. شورا روی توجه بی‌امان به شرایط دم به دم در حال تغییر در کشور و منطقه تاکید کرد. از آنجا که این تغییرات نمی‌تواند بی‌ارتباط با سیاست نظامی حاکم باشد و با فعالیت‌های اتمی در کشور پیوند یافته است، تا آستانه تصمیم نهایی ضرورت دارد همچنان روی افشای اهداف و نتایج سیاست نظامی حاکم و به میدان فراخواندن مردم برای مخالفت با این سیاست متمرکز شد. در همین ارتباط اجلاس بر این امر تاکید کرد که آنچه خطر تجاوز به ایران را جدی‌تر می‌کند، نه فعالیت‌های اتمی و نه حتی تولید سلاح اتمی در ایران، بلکه سیاست جنگی و نظامی حاکم است که زمینه‌های این خطر را فراهم آورده است. بویژه که این سیاست در داخل کشور با تشدید سرکوب نهادها، احزاب، سازمان‌ها و همه تشکل‌ها- حتی تشکل‌های مذهبی که سه دهه در متن و یا کنار حکومت و دولت‌ها بوده‌اند- مقابله با گرایش‌ها و تشکل‌های متفاوت مذهبی- حتی تشکل‌های صوفیان- و سرکوب خواست‌های قومی و ملی همراه شده است. به این ترتیب است که شرکت در انتخابات آینده اگر زمینه ساز امکان تغییر این مجموعه- حتی در حد چند گام- باشد و توده‌های مردم آگاه از ماهیت سیاست‌های حاکم، علیه آن به میدان آمده و زمینه را برای نامزدی فراهم سازند که سخنگوی اکثریت جامعه ناراضی از حاکمیت باشد، باید وسیعاً در کنار مردم در چنین انتخاباتی شرکت کرد. در غیراینصورت بیش از چشم داشتن به نتایج انتخابات، باید متوجه ضرورت آگاه‌سازی مردم از واقعیات پنهان در پشت سیاست نظامی حاکم بود.

۴- پیگیری اسناد دو کنگره سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت ایران اسلامی نشان دهنده دو تحولی مهم در این دو سازمان سیاسی و یک موقعیت برای احزاب و سازمان‌های مترقی خارج از کشور است. آن دو تحولی که ما در این اسناد شاهدیم فاصله گیری از برخی بدعت‌های مغشوش کننده شناخت و جایگاه واقعی اقشار و طبقات اجتماعی و قبول ضرورت تشکل‌های مستقل آنهاست. این مرزها در طول دوران ۸ ساله اصلاحات با تبلیغ "طبقه متوسط" مغشوش شده بود. خوشبختانه اسناد دو کنگره اخیر - بویژه اسناد کنگره سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی- از این نوع توهمات که بخشی از آن ناشی از ضربات وارده بر اردوگاه سوسیالیسم جهانی بود فاصله گرفته است و مشخصا کارگران، کشاورزان و دیگر اقشار اجتماعی را خطاب قرار داده و پیرامون نیازهای اقتصادی و ضرورت دفاع از حقوق اجتماعی و اقتصادی آنها اشارات قابل توجهی دارد. آنچه برای احزاب و سازمان‌های مترقی قابل استناد و توجه است، آمار و ارقام مستندی است که این دو سازمان پیرامون بحران همه جانبه جمهوری اسلامی و بویژه درباره نتایج عملکرد حاکمیت نظامی ارائه داده و بویژه روی نفی و طرد سیاست نظامی حاکم تاکید کرده اند. در همین ارتباط شورای سردبیری، مطالعه دقیق گزارش آقای میردامادی دبیرکل جبهه مشارکت به کنگره اخیر این حزب را به همه علاقمندان آگاهی از تحولات ایران توصیه کرد. همچنان که مطالعه آخرین بیانیه جبهه مشارکت در باره انتخابات آینده ریاست جمهوری و تمرکز روی طرد سیاست نظامی در این انتخابات را ضروری می‌دانیم. این نکات، زمینه ساز گام‌های بزرگ برای تمرکز روی نفی سیاست حاکم و نه افراد است و این همان ضرورتی است که راه توده در سه سال گذشته پیوسته روی آن تاکید داشته است.

همین تحولات، به گونه‌ای مشابه در اسناد کنگره نهضت آزادی ایران و سیاست‌های آن که توسط اعضای رهبری و شخص دبیرکل آن بیان می‌شود منعکس است. این اسناد نشان می‌دهد که دیدگاه‌های اقتصادی و نظرات سیاسی و اجتماعی نهضت آزادی ایران سمت گیری ملایم سوسیال دموکراسی به خود گرفته است. شورای سردبیری راه توده این سمت گیری را تحولی مثبت و مترقی ارزیابی کرد. همچنان که سمت گیری دموکراتیک در دو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت ایران اسلامی را موجب خرسندی دانست. مطالعه دقیق اسناد این سه حزب سیاسی به معنای آن نیست که ما از اسناد کنگره دو حزب دیگر، یعنی کارگزاران و اعتماد ملی غافل بوده ایم. اتفاقا در اسناد کنگره این دو حزب نیز سمت گیری‌های مثبت و مهمی وجود دارد که نشان دهنده عمیق تر شدن دیدگاه‌های سیاسی نسبت به شناخت حاکمیت و تحولات آینده است. شرکت نمایندگان احزاب در کنگره‌های یاد شده نیز از پدیده‌های مثبت و نوینی است که خود زمینه‌های اتحادهای وسیع را فراهم می‌سازد.

مجموعه این تحولات در بدنه حاکمیت ۳۰ ساله جمهوری اسلامی و دیدگاه‌هایی که از سوی طیف نسبتا وسیع طرفداران اهداف و آرمان‌های انقلاب ۵۷ مطرح و در نشریات و سایت‌های اینترنتی آنها منعکس می‌شود نشان دهنده بقای ظرفیت‌های نهفته آن انقلاب در بطن جامعه ایران است. اگر نبود این ظرفیت و خواست تحقق آن آرمان‌ها، بی شک امروز سازمان‌ها و احزاب سیاسی که علیرغم همه دشواری‌ها و تنگناها فعالیت نسبتا آزاد خود را در جمهوری اسلامی حفظ کرده اند، بیان کننده آن‌ها نبودند. این واقعیت، یعنی زنده بودن آرمان‌های واقعی انقلاب ۵۷ در جامعه را ما به گونه‌ای دیگر نیز شاهدیم. یعنی تلاش حاکمیت کنونی برای تغییر آن آرمان‌ها و جانشین کردن آن‌ها با آرمان‌های خود. یعنی حجاب، سنگسار، به خانه بازگرداندن زنان، ترویج خرافات، خشونت، اعدام، زندان، ماجراجویی و تقلیدهای بی محتوا و حکومتی رویدادهای سال‌های نخست انقلاب ۵۷ و سپس اعلام آنها بعنوان "زنده کردن اهداف انقلاب ۵۷". اگر آرمان‌های آن انقلاب در جامعه بعنوان آرزوهای تحقق نیافته مردم مطرح نبود، حاکمیت پشت کرده به انقلاب برای فریب مردم "اهداف خود" را بعنوان اهداف انقلاب ۵۷ مطرح نمی‌کرد. بنابراین، بنظر شورای سردبیری راه توده از

جمله وظائف همه نیروهای سیاسی - اعم از داخل یا خارج از کشور- تکرار بی امان اهداف و آرمان‌های واقعی انقلاب ۵۷، مستند به بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، اخبار روزنامه‌های سال ۱۳۵۷ و سپس سالهای اول تاسیس جمهوری اسلامی است. باید با این شگرد جدید تبلیغاتی حاکمیت مبنی بر این که "برخی تصمیمات سالهای اول جمهوری اسلامی ناشی از تندروی، جو زدگی و... بود" نیز مقابله کرد. آن تصمیمات و مصوباتی که با این ترفند می‌کوشند آنها را - از جمله قانون کار، اصول مربوط به آزادی احزاب و مطبوعات، اصل ۴۴ قانون اساسی و... - دگرگون کنند، زیر فشار خواست‌های انقلابی میلیون‌ها مردم ایران که با امید به تحقق آنها به خیابان‌ها آمدند تهیه و تصویب شد. مردم بر خلاف ادعای حاکمیت کنونی، نه برای تحقق اسلام حجتیه، بلکه برای آرمان‌هایی به خیابان آمدند که بخشی از آنها در قانون اساسی گنجانده شد و به مصوبات مجلس اول تبدیل شد.

۵- شورای سردبیری راه توده نه تنها سیاست گفتگوی غیرمستقیم با تشکلهای نسل جدید چپ ایران و پاسخ دوستانه و دلسوزانه به مندرجات نشریات متعلق به این تشکلهای و گرایش‌ها را تأیید کرد، بلکه بر ضرورت گسترش آن پافشاری داشته و همه رفقای را که مطالب نشریات، سایت‌ها و وبلاگ‌های این گروه‌ها را دنبال می‌کنند، فراخواند تا این امر را بعنوان یک وظیفه توده‌ای جدی گرفته و از هر امکان انتشاراتی که در اختیار دارند برای تحقق این مشی و سیاست استفاده کنند. با تمام نیرو باید مانع از آن شد که حکومت مشی ماجراجویانه را به این نسل تحمیل کند. در ادامه همین کارزار باید با تمام توان تاریخ حزب توده ایران، حقایق مربوط به انقلاب ۵۷ و سیاست پشتیبانی از آن انقلاب و سیاست اتحاد و انتقاد در برابر جمهوری اسلامی را به میان این نسل برد و اجازه نداد سلسله کتاب‌ها و مقالات و انتشارات ضد توده‌ای که در داخل کشور منتشر می‌شود، این بخش از چهره انقلابی حزب توده ایران را مخدوش جلوه دهد. با کمال تأسف، در سالهای اخیر برخی مطالب منتشره در نشریه "نامه مردم"، نه تنها به این هدف خدمت نکرده، بلکه در جهت خلاف آن بوده است. این مطالب تحت پوشش "انتقاد از سیاست گذشته" تا مرز متهم ساختن رفقای از مرگ و اعدام نجات یافته به همکاری با حکومت، محکوم ساختن قربانیان شکنجه‌های مخوف دهه ۱۳۶۰، استناد به صحنه سازی‌های تلویزیونی حکومت که خود به نوعی حقانیت بخشیدن به جنایتکاران است... پیش رفته است. کم آگاهی از آنچه در آن سالها گذشت به این فاجعه ختم می‌شود که با راست ترین و چپ روترین مخالفان حزب ما در اپوزیسیون همسو شده و یکبارگی کشف کنند که رهبر وقت حزب به "ولایت فقیه رای داده است". این نوع نوشته‌ها که شمار آنها کم نیست، برای نسل جوان و جدید چپ ایران چنان تداعی می‌کند که گوئی جمهوری اسلامی فراخوان رفراندوم به ولایت فقیه داده و حزب توده ایران هم به این فراخوان لبیک گفته است! در عرصه‌های دیگر، در حالیکه همه احزاب و سازمان‌های سیاسی مذهبی و غیرمذهبی ایران که رهبران و کادرهای آنها سر از زندان دهه ۶۰ آورده و قربانی شکنجه و اعتراف گیری شده‌اند، شوهای تلویزیون را رد و نفی کرده‌اند و آن را تراژدی همگانی اعلام داشته‌اند، نویسندگان نشریه نامه مردم هرچند وقت یکبار به تلویح و یا تصریح این شوها و اعتراف‌گیری‌های زیر فشار مخوف ترین شکنجه‌ها را به مستندات خود تبدیل ساخته‌اند. بدین ترتیب است که وظیفه "راه توده" برای دفاع از تاریخ و حقانیت حزب توده ایران چند برابر شده است. در همین ارتباط، انتشار ویراستاری شده و بیان کننده اصل موضوعات در جزوات "تحلیل هفتگی‌ها" در "راه توده" را شورای سردبیری اقدامی به موقع ارزیابی کرده و همین شیوه را برای انتشار جزوات "پرسش و پاسخ"ها توصیه کرد. در ادامه این بحث، سیاست بازانتشار ویراستاری شده آن دسته از آثار حزبی که متأثر از سیاست اتحاد و انتقاد و همچنین متأثر از رهبری مذهبی انقلاب و فعالیت علنی و قانونی حزب توده ایران در سالهای اول تاسیس جمهوری اسلامی با "حذف" و "افزودگی"هایی در داخل کشور منتشر شد، تأیید شد. این ویراستاری جدید شامل حذف آن بخش‌هایی می‌شود که به آثاری مانند "۲۸ مرداد" رفیق

جوانشیر و یا برخی نوشته‌های رفیق طبری اضافه شده و یا از آنها حذف شده است. مانند بخش مربوط به آیت الله کاشانی و یا نقش منفی روحانیونی نظیر آیت الله بروجردی در جریان کودتای ۲۸ مرداد و یا افزوده‌هایی در ارتباط با "لیبرال‌ها" در برخی آثار حزبی که متأثر از نبرد "که بر که" در طول عمر دولت موقت و مدتی پس از آن و با هدف تقویت بخش اقتصادی و سیاسی "دمکراتیک" حاکمیت و پیرامون آن بوده است. همین‌گونه است حذف و جرح و تعدیل بخش از نوشته‌های علمی و تحلیلی رفیق طبری مانند "جنبش بایبه" و...

این کوشش و تلاش برای آگاهی نسل جوان و چپ ایران نیازمند یاری همه توده ایهاست و شورای سردبیری راه توده همه رفقائی را که در این جهت آمادگی همکاری دارند به یاری فرا خواند.

۶- مرور نوشته‌های سخیف و اتهامی اخیر نشریه "نامه مردم" که تحت عنوان پلنوم وسیع (!) منتشر شده و مجموعه پیام‌هایی که در این ارتباط دریافت شده بود نیز بخشی از وقت چند روزه جلسه شورای سردبیری را به خود اختصاص داد. در باره این نوشته‌های پلنومی، آنچه مربوط به دیدگاه‌های ضد و نقیض سیاسی آن در ارتباط با ایران است، شورای سردبیر آنها را ارزیابی‌هایی بی ارتباط و یا کم ارتباط با واقعیات روز جامعه تشخیص داد. شورای سردبیری تاکید کرد که اگر این دیدگاه‌ها مشروعیت توده‌ای یافته و به جلب و جذب نیرو تبدیل شده و یا از سوی نیروهای سیاسی داخل کشور جدی تلقی شده بود، دیگر نیاز به متهم ساختن این و آن و هراس از نفوذ مشی توده‌ای "راه توده" و متوسل شدن به شیوه‌های زشت امنیتی برای گرفتن وقت و انرژی اداره کنندگان این نشریه نبود. در ادامه این بحث، توصیه‌های دریافتی مبنی بر برخورد تند با نشریه "نامه مردم" و سخن گفتن درباره برخی افراد موثر در تدوین این مطالب سخیف و گفتن مسائلی در ارتباط با دوران زندان برخی از همین افراد در جمهوری اسلامی (سالهای پس از یورش و در سه زندان توحید، گوهردشت و اوین) و یا مشی و روش آنها در دوران حضور در خانه‌های تیمی گروه منشعب و شلختگی‌های تکانه‌دهنده در نگهداری اسناد حزبی سال‌های پس از انقلاب تا یورش دوم که باعث دستگیری شماری از توده ایهای غیرعلنی شد و یا دوران اقامت و تحصیل طولانی پیش و پس از انقلاب در انگلستان و نداشتن هیچ‌گونه نقش و حضوری در انقلاب و سالهای فعالیت حزب در داخل کشور مطرح شد. شورای سردبیری پس بررسی همه این موارد، یکبار دیگر بر ادامه مشروط مشی ۸ ساله مدارا در برابر مندرجات "نامه مردم" و پرهیز از گشودن جبهه‌ای جدید تاکید کرد. شورا گشودن چنین جبهه‌ای را باعث خرسندی دشمنان حزب توده ایران ارزیابی کرد، و درعین حال تأکید کرد که این پرهیز و سکوت نباید به گونه‌ای باشد که از آن سوء استفاده شود. حتی از جانب رفیق خاوری و یا بنام او، که بهرحال و همچنان مسئولیت بسیاری از آشفتگی‌های سازمانی، به انزوا رانده شدن کادرهای حزبی و مسائل مالی و همچنین مسائل و موضع گیری‌های سیاسی حزب و یا پرکردن و خالی کردن کمیته مرکزی از پلنوم ۱۸ و کنفرانس ملی تا همین جلسه اخیر متوجه شخص اوست. به این ترتیب و با درگذشت شادروان مریم فیروز که همواره مدارا و سکوت را با هدف برخی ملاحظات امنیتی علیه او و دیگرانی که بموقع از آنها نام خواهیم برد رعایت می‌کردیم، دوران "بنویس و در رو" تمام شده است. یعنی دیگر شرایط بدین‌گونه نیست که تصور کنند هر چند وقت یکبار، برای بازداشتن ما از کار اساسی که پیش می‌بریم می‌توانند جمله‌ای سخیف بگویند و اتهام زشتی را طرح کنند و به سایه بخرزند.

سکوتی که پیرامون قطعنامه اخیر نامه مردم در میان طیف توده ای های خارج از کشور وجود دارد و بویژه درباره اتهامات مستقیم و غیرمستقیمی که به توده ای های زندانی جان سالم بدربرده وارد شده هرچند که بازتاب شرایط خارج از کشور است، اما به هیچوجه به

معنای موافقت اکثریت قریب به اتفاق توده ای ها با اینگونه اتهامات سخیف نیست. ما یقین داریم که این سکوت بزودی و پیش از هر جا در داخل ایران خواهد شکست.

شورای سردبیری تأیید کرد که از این پس به پاره‌های نظرات و نوشته‌های مندرج نشریه نامه مردم، در آن حد که وقت و انرژی نویسندگان راه توده را چنان نگیرد که از کار اصلی خود باز مانند نیز پاسخ داده شود. این وقت و انرژی همچنین نباید بیش از ظرفیت واقعی "نامه مردم" در مطرح بودن آن در جنبش داخل و خارج از کشور باشد.

در ادامه همین بحث، به سردبیر راه توده وظیفه داده شد تا در "یادمانده‌ها" توضیحاتی پیرامون انتشار راه توده دوره اول که در نیمه سال ۱۳۶۳ متوقف شد و انتشار راه توده دوره دوم که از سال ۱۳۷۱ تاکنون منتشر می‌شود ارائه دهد. رفقای حاضر در جلسه، خواهان بازگویی رسمی و علنی توضیحاتی شدند که سردبیر راه توده پیرامون تشکیل "کمیته برون مرزی" و پلنوم ۱۸ ارائه داد. در همین جلسه مضمون نامه اعتراضی دکتر "فریبرز بقائی" عضو مشاور کمیته مرکزی وقت حزب، خطاب به "نامه مردم" که در سایت شخصی وی منتشر شده نیز طرح شد. وی که پس از ۱۲ سال و ۷ ماه از زندان جمهوری اسلامی بیرون آمده، در این نامه اعتراضی خود، مندرجات اخیر نامه مردم را که با استناد به نشریه "راه آزادی" بابک امیرخسروی! از قول وی نقل شده خلاف واقعیت، نادرست و خلاف حقیقت اعلام داشته و خواهان حذف این ادعا در "نامه مردم" شده است.

۷- دلایل بی مخاطب ماندن "نامه مردم" و بیگانه ارزیابی شدن مطالب آن با مشی و هویت حزب از جانب دوست و دشمن حزب توده ایران نیز در این جلسه مورد بحث قرار گرفت. قطع پیوند با گذشته حزب، ادبیات و نگاه غیرتوده‌ای مطالب منتشره در نامه مردم که بیشتر به ادبیات پر صفت سازمان‌هایی نظیر "راه کارگر" و یا اعلامیه‌های چریک‌های دهه ۱۳۵۰ شبیه است تا حزب توده ایران، ضد و نقیض نویسی‌هایی که باعث شده، حتی نامه مردم آرشیو منظمی را روی سایت خود نگذارد تا دیگران نتوانند موضع گیری‌های گذشته آنها را مرور کنند؛ خیال پردازی‌های بکلی بیگانه با اوضاع داخل کشور که بموجب آن تا چند سال پیش تصور می‌کردند زنده یاد کیانوری در داخل کشور حزب گشائی خواهد کرد و اکنون نیز همین تصور را در باره رفیق عموی دارند و... نیز طرح و بررسی شد. در این بخش ضمن ستایش از اقدام و سازماندهی راه توده برای تهیه آخرین گفتگوی تصویری با زنده یاد مریم فیروز که به مهم ترین سند دو دهه اخیر در دفاع از حزب توده ایران تبدیل شد، گرم ترین درودها برای تهیه کنندگان آن فیلم فرستاده شد. شورای سردبیری راه توده اعتقاد راسخ دارد که اگر کارشکنی‌های تبلیغاتی "نامه مردم" نبود، این امکان که بتوان مستقیم تر با زنده یاد کیانوری ارتباط برقرار کرده و به اطلاعات مهم تری دست یافت قابل تحقق بود. این کارشکنی‌ها به گونه‌ای بود که شادروان کیانوری در نامه کوتاهی که توانست برای راه توده ارسال دارد نوشت: ادامه این تبلیغات منجر به بازگرداندن من به زندان خواهد شد. مجموعه این نامه‌ها و نوشته‌ها در اختیار "راه توده" است و شورای سردبیری بر انتشار بموقع همه آنها بعنوان بخشی از تاریخ حزب توده ایران تأکید کرد. شورای سردبیری راه توده ابراز امیدواری کرد که آندسته از گردانندگان "نامه مردم" و یا کسانی که در ارتباط با آن قرار دارند و از بسیاری مسائل گذشته حزب در داخل کشور و یا دوران نسبتاً طولانی مهاجرت پس از یورش‌ها آگاهی و اطلاع کافی ندارند، با خواندن واقعیاتی که راه توده در این ارتباط منتشر کرده و در آینده خواهد کرد، به توده ای‌های بیدار تبدیل شوند. ما این ضرب المثل قدیمی را قبول داریم "آنکس را که خواب است می‌توان بیدار کرد ولی آنکس که خود را به خواب زده هرگز". به همین دلیل کوچکترین امیدی به بیداری آنهایی که خود را به خواب زده‌اند و مطالب سخیف اخیر را منتشر کرده‌اند نیست. امید به بیداری کسانی باید داشت که خود را به خواب نزده، بلکه واقعا خواب‌اند!

در ادامه تلاش برای بیداری آنها که ریگی به کفش ندارند، شورای سردبیری باز انتشار مقاله تاریخی "سخنی با همه توده ایها" را بصورت فصل بندی و همراه با مقدمه‌های توضیحی تصویب کرد. این مقاله آخرین تحلیل و جمع‌بندی زنده یاد نورالدین کیانوری است که اگر آخرین نگرانی راه توده نسبت به موقعیت افرادی در داخل کشور برطرف شود، در این زمینه نیز با صراحت اعلام می‌داشت این مقاله تحلیلی چه زمانی و کجا نوشته شده و از چه طریق به راه توده رسیده است. پس از درگذشت شادروان کیانوری، راه توده بارها نام واقعی نویسنده این مقاله تحلیلی، یعنی نورالدین کیانوری را معرفی کرده، اما آنها که خود را به خواب زده اند، باز هم سه پهلوی و چهار پهلوی در باره آن اظهار سند در "نامه مردم" می‌کنند. آن هم به گونه‌ای که گویا این سند را سازمان اطلاعات و امنیت برای راه توده ارسال داشته است. ما یقین داریم هر کس تاکنون این مقاله را خوانده و یا در آینده بخواند جز کلامی استهزا آمیز خطاب به مفتریان بر زبان نخواهد آورد. اگر سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی نویسنده و یا طالب انتشار چنین سندی بوده، باید به احترام آن سازمان از جای برخاست!

۸- شورای سردبیری به سه تن از رفقا، یعنی جعفرپویا، کیانی و خیرخواه وظیفه داد که مطالب و مندرجات نامه مردم در سالهای گذشته را با کمک دو تن دیگر از همکاران راه توده بررسی کرده و بویژه از دل مطالب و اعلامیه‌های آستانه حوادث مهم و یا نوبت‌های انتخاباتی در ایران دیده گاه‌های ضد و نقیض و عمدتاً بیگانه با اوضاع ایران آن را بیرون کشیده و بصورت مقالات دنباله دار برای انتشار در اختیار هیات تحریریه راه توده قرار دهند. با انتشار این نوشته‌ها، میزان واقعیت این تز تکراری نامه مردم "همانطور که ما گفته بودیم- همانطور که ما پیش بینی کرده بودیم" آشکارتر خواهد شد.

پایان بخش قطعنامه شورای سردبیری راه توده این تاکید و بیدارباش است:

رفقا!

سیر حوادث سال‌های اصلاحات و بویژه بیرون خیزیدن ارتجاع مذهبی در طول ریاست جمهوری احمدی نژاد و سلطه مافیای حجتیه (اخوان المسلمین شیعه) بر ارکان نظامی و غیرنظامی، امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی و برتری اسلام امریکائی (بی اعتناء به شعارهایی که می‌دهد) بر اسلام طرفدار آرمان‌های واقعی انقلاب ۵۷ و بسیاری از وقایع دو دهه اخیر نه در جهت نفی و رد سیاست حزب توده ایران در سال‌های نخست تاسیس جمهوری اسلامی، بلکه در جهت تائید آن سیاست است. سیاستی که با جانبازی همراه شد. حقانیت کلیات آن سیاست - و نه این و یا آن موضع گیری مقطعی - امروز بر بسیاری از نیروهای ملی و مذهبی و دگراندیش داخل کشور که از نزدیک دست در آتش دارند ثابت شده است. از جمله حقانیت پرافتخار مخالفت رهبری حزب توده ایران با ورود به خاک عراق، پس از بازپس گرفتن خرمشهر و آغاز مرحله دوم و فرسایشی جنگ. این نوع موضع گیری‌های دقیق سیاسی با سرنوشت انقلاب و کشور در ارتباط مستقیم بود و نباید اجازه داد به فراموشخانه سپرده شود. وقتی امروز در جمهوری اسلامی از مخالفت مهندس بازرگان با ادامه جنگ آن هم یکسال پس از ورود به خاک عراق بعنوان یک موضع گیری شجاعانه و ملی ستایش می‌کنند، چرا نباید حزب توده ایران بگوید و اسناد آن را بارها منتشر سازد که نه تنها در آن ۱۰ روز که بحث بر سر مرحله دوم جنگ جریان داشت صریحاً با این مرحله مخالفت کرده و حتی طی نامه‌ای به شخص آیت الله خمینی آن را یک توطئه امریکائی ارزیابی کرد، بلکه پس از آغاز این مرحله نیز تا یورش اول و حتی در فاصله دو یورش طی بیانیه‌ها و موضع گیری‌های خود با این مرحله از جنگ مخالفت کرد و از جمله دلایل یورش به حزب ما، در نماز جمعه و از سوی ۳ امام جمعه موقت وقت، یعنی احمد جنتی، رفسنجانی

و موسوی اردبیلی همین موضع گیری اعلام شد. نامه حزب توده ایران به آیت الله خمینی و بیان دلایل فاجعه آفرین شدن "ولایت فقیه" پس از درگذشت وی در اختیار حکومت است و ما امیدوارم که امثال آیت الله خسروشاهی که اخیرا برای گفتن واقعیات آن سال ها در نشریه "بعثت" دهان گشوده اند، دیگران نیز دهان گشوده و حداقل به وجود و یا دریافت این نامه‌ها که اسناد پرافتخار حزب ما و دفاع از انقلاب ۵۷ است اشاره کنند. این‌ها اسناد افتخار حزبی است، همچنان که اسناد مقابله با کودتاها.

آنها که تصور کرده‌اند برای حزب توده ایران، با برگزاری یک کنگره در خارج از کشور شناسنامه تازه‌ای صادر کرده اند، می‌توانند نام مولود خود را هر اسمی که دوست دارند بگذارند، اما قطعا خون حزب در رگ‌های این مولود جاری نیست. توده ای ها نه تنها به گذشته خویش وصل اند، بلکه به آن افتخار نیز می‌کنند. صدها سند و مدرک فاش نشده در اختیار شخصیت‌هایی نظیر آیت الله خسروشاهی است که در صورت انتشار آنها ملت ایران و بویژه نسل جدید کشور با زوایای جانبازی توده ای ها در راه دفاع از انقلاب ۵۷ و جلوگیری از کشاندن آن به منجلاب کنونی آشنا خواهند شد. ما همینجا اعلام می‌کنیم که بخشی از این نامه‌ها و اسناد در آن سال ها از سوی شخص کیانوری برای رفیق "عباس ندیم" عضو کمیته مرکزی وقت که آن زمان در آلمان دمکراتیک مستقر بود ارسال شده تا بایگانی شود. ما ضمن آرزوی سلامت و طول عمر برای وی، اعلام می‌کنیم که باید به کمک وی مشخص شود این اسناد اکنون کجاست؟ بخشی از احترام و تائید حقانیتی که ما احساس می‌کنیم در سال های اخیر، در مطالب و اسناد و مصاحبه‌های شماری از چهره‌های سیاسی داخل کشور نسبت به حزب توده ایران در حال تکامل است، نه بخاطر مطالبی است که در سال های مهاجرت در "نامه مردم" منتشر شده، بلکه بدلیل حقانیت و اعتبار آن سیاستی است که حزب توده ایران به پای آن خون داد. حقانیت آن سیاست امروز و در میدان عمل، برای بسیاری که نه ایدئولوژی ما را داشته و دارند و نه سر سازش و آشتی با حزب توده ایران را در گذشته داشته‌اند به اعتباری تبدیل شده که علیرغم در خاک خفتن جانبازان آن سیاست و خالی بودن جای آنها در رهبری حزب توده ایران، به قوت خود باقی است. از این شناسنامه با تمام نیرو باید دفاع کرد. بقای حزب توده ایران در این دفاع است. دفاع از حزب در ستایش از اعدام شدگان و اتهام سازی و شایعه سازی برای انگشت شمار بازماندگان نیست، در این دفاع تاریخی است.

راه توده ۲۰۸ ۲۰۰۹، ۰۱، ۱۲